

بررسی شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان شهر زنجان

دکتر مهدی قدیمی^۱

چکیده:

در شرایط تحول سریع جامعه، ارزش‌های حاکم بر آن نیز متحول می‌گردد که در اثر این تحول ارزش‌ها، اختلاف دیدی میان بزرگسالان و جوانان به چشم می‌خورد که آن را "شکاف نسلی" نام نهاده‌اند و مقاله حاضر چیزی نیست مگر بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده.

در این تحقیق از بین ۱۷۸۰۹ نفر دانش‌آموز مقطع متوسطه ناحیه یک و دو آموزش و پرورش شهر زنجان تعدادی (۶۷۵) نفر از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردیده و میزان شکاف نسلی و عوامل مؤثر بر آن از طریق پرسشنامه که ابزار اصلی روش پیمایشی است، مورد سنجش قرار گرفت. نتیجه حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، احساس نابرابر اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، احساس آفومی اجتماعی، گرایش به سنت‌ها، گرایش به اعتقادات دینی، قردگراشی، استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی و عوامل فردی) و میزان شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: شکاف نسلی / فاصله نسل‌ها / شکاف بین نسلی / اعتماد اجتماعی / همبستگی اجتماعی / بحران هویت

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (استادیار) Dm-ghadimi-zn@yahoo.com

مقدمه

از گذشته بسیار دور معمولاً اختلاف نظر و تنازع بین دو نسل وجود داشته و این اختلاف از قرن بیستم به بعد با توجه به تحولات سریع جوامع انسانی نمایان‌تر شده است. دلیل بروز چنین شکافی وجود نقص یا نابسامانی در فرآیند اجتماعی شدن است. بطور خلاصه می‌توان گفت کودک پس از تولد از طرق مختلف (مانند نهاد خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی و دوستان) اجتماعی می‌شود و در مرحله پیشرفته‌تر نهادهای سیاسی، عهده‌دار اجتماعی شدن جوانان هستند. در واقع این نهادها به مرور زمان به جوانان می‌آموزند که چگونه رفتار، فکر و قضاوت کنند. چه چیزهایی را ارزشمند بیابند و ... به عبارت دیگر فرهنگ جامعه از طریق این نهادها به جوانان منتقل می‌شود و آنان نیز این فرهنگ را درونی می‌نمایند و در مراحل دیگر عهده‌دار انتقال آن به نسل‌های بعدی می‌شوند. با وجود این، مسأله فوق منجر به این نمی‌شود که فرزندان و نسل جدید به طور کامل مثل قبل شوند زیرا: اولاً در میان یک نسل‌گرایی‌ها و سلیق و افکار مختلف وجود دارد، ثانیاً نسل پیشین نیز خود در حال تغییر و تحول است. به عبارت دیگر به تعبیر «باتامور» می‌توان گفت که جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست، نسل‌های جدید تمامی رفتارهای نسل پیشین را به طور کامل تکرار نمی‌کنند. بلکه این تکرار همراه با انتقاد یا رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری همراه است. باتامور، (۱۳۵۸: ص ۳۴۲) چون نظام اجتماعی ایران یک جامعه در حال گذر می‌باشد این امر باعث تغییر نهادهای اجتماعی، فرهنگی و موجب بروز رفتارهای متفاوت بین دو نسل می‌گردد که از این امر تحت عنوان شکاف نسلی یاد می‌کنند.

بیان مسأله

در شرایط تحول سریع جامعه به ویژه در دوران شهرگرایی و صنعتی شدن، بزرگسالان به دلیل ثبات نسبی ساختار ذهنی و سنت‌گرایی و محافظه‌کاری خود متمایل به حفظ و تثبیت ارزش‌های فکری و فرهنگ سنتی خود می‌شوند و نمی‌توانند پا به پای تحولات، نوآوری و نوگردانی فرهنگی پیش بروند؛ در حالی که جوانان به دلیل اقتضای سنی خود نوجو، نوگرا و نوآور هستند. اعتقاد و عمل به ارزش‌های سنتی را کهنه و غیر قابل قبول می‌شمارند، از این‌رو برخورد ارزش‌های دو نسل متفاوت (نسل والدین و نسل فرزندان) و عدم سازگاری میان آن دو را که در شرایط خاصی از تحول ایجاد می‌شود، بحران ارزش‌ها می‌نامند. اصولاً اقتضای جامعه جدید و تولید صنعتی این است که جوان ذوق و ابتکار داشته باشد و متکی به خود و مستقل بارآید و شیوه سنتی الگوی پدرمداری و پدرسالاری را که موجب وابستگی فرد به خانواده

می‌شود را رها کند. در این جامعه آرمان‌ها و ارزش‌هایی که از طرف بزرگسالان خانواده بی‌چون و چرا و شاید با نوعی انتقاد غیرمنطقی به عنوان بخشی از میراث نیاکان پذیرفته شده‌اند، بر اثر دگرگونی‌ها و تحولات سریع جامعه به شدت آسیب می‌خورند. در جوامع جدید جوانان می‌خواهند به راه خود بروند و بزرگسالان علاقه‌مندند آنان را با سنت‌های کهن پرورش بدهند. این امر از یک سو بحران ارزش‌ها را پیش می‌آورد و از سوی دیگر به نوعی برخورد میان دو نسل را منجر می‌شود. در این برخورد جوان به دلیل جوانی خود، نوگرا و نوگردانی جامعه در نهایت برنده می‌شود. لذا موقعیت بزرگسالان در جامعه دچار تزلزل می‌شود و ارتباط دو نسل قطع می‌گردد و در نتیجه نوعی عدم تفاهم میان آن دو ایجاد می‌گردد.

بنابراین در شرایط بحران ارزش‌ها به دلیل هماهنگی جوانان با تحولات سریع جامعه و عدم هم‌گامی بزرگسالان با آنها در زمینه هم‌فکری میان دو نسل شکاف ایجاد می‌شود. و این امر در طول زمان پیوسته افزایش می‌یابد که این برخورد میان دو نسل را کشمکش نسل‌ها و فاصله میان آن دو را شکاف نسل‌ها می‌گویند. اگرچه می‌توان گفت در هر عصری میان دو نسل بزرگسال و جوان شکاف وجود دارد ولی در دوران صنعتی شدن جامعه این کشمکش و شکاف افزونتر است. (خسرو شاهیان، ۱۳۷۹: ص ۲۲)

از سوی دیگر گسترش ارتباطات بشری در روزگار حاضر، نسل جدید را با نوعی زندگی و زیستن متفاوت از نسل والدینشان آشنا کرده است و دل در گرو آن بسته و نسبت به زیستی دیگر تعلق خاطر، دل‌بستگی و اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد و نسبت به زیستن مألوف والدینشان حالت گریز، بی‌اعتنایی و حتی مقاومت نشان می‌دهند. از دیگر سو نسل قبلی در اکثر موارد هم‌چنان به رفتارهای پیشین پا فشاری می‌کند. این فرآیند نهایتاً منجر به نوعی تعارض، گسست یا شکاف میان نسل جدید و نسل قدیم می‌شود، از لحاظ الگویی هم اگر نگاه کنیم همین وضعیت برقرار است. برای نسل جدید الگوهای نسل پیشین جاذبه خود را به هر دلیل از دست داده است و آنها نسبت به والدینشان و محبوبیت‌های آنها سرد شده‌اند و دل در گرو محبت‌های دیگری دارند شاید انتخاب‌هایشان معقول و منطقی نباشد، اما هرچه هست نسبت به کسانی تعلق خاطر نشان می‌دهند که این تعلق خاطر را در صورت امکان به صورت آشکار و در صورت امکان در خفا نشان می‌دهند و می‌خواهند به وضعیت الگویی خود نزدیک شوند و مانند آنها زندگی کنند که در نهایت این مسئله منجر به شکاف میان آنها با والدینشان می‌شود.

اهمیت و ضرورت موضوع:

از دیدگاه علم جامعه‌شناسی اصولاً خانواده به عنوان سلول اصلی جامعه تلقی می‌شود و در جامعه وجود خانواده سالم و خانواده‌ای که در آن رابطه اجتماعی و درونی از استحکام بایسته برخوردار باشد باعث شکل‌گیری جامعه سالم می‌شود. از سویی وجود جوانان و نوجوانان تضمین‌کننده آینده جامعه و خانواده است و نظام ارزشی هماهنگ بین والدین و فرزندان یکی از مؤلفه‌های اساسی و تفاهم در خانواده است. لذا انجام تحقیق درباره این مسئله و توصیف و تبیین عوامل مؤثر بر آن از دو جنبه نظری و کاربردی اهمیت زیادی دارد.

از بعد نظری، انجام مطالعه درباره تفاوت نظام ارزشی والدین و فرزندان موجب رشد و ارتقای علمی می‌شود و در نتیجه با مطرح شدن پرسش‌های علمی در این زمینه پاسخ‌های علمی به آنان داده می‌شود. این مطالعات به عنوان یک مطالعه بنیادی می‌تواند در جهت شناخت این پدیده نوظهور کمک شایانی به عمل آورد و از آنجا که تاکنون پیرامون این پدیده مطالعه‌ی جامعی صورت نگرفته می‌توان کاستی‌های آن را نیز در نظر داشت.

از جنبه کاربردی می‌توان با شناخت نظام ارزشی در والدین و فرزندان برداشتی صحیح از میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام در جهت کاهش شکاف نسل‌ها آگاهی‌های لازم را کسب نمود. در واقع تأثیر عوامل مختلف بر مسئله‌ی شکاف نسل‌ها می‌تواند راهکارهای مناسب را در مواجهه با این پدیده اجتماعی فراروی کارشناسان مسائل تربیتی و مسئولان آموزش قرار داد. تحول و نوسازی خانواده تنها از طریق شناخت نظام‌های ارزشی موجود در آن عملی می‌شود و این مطالعه می‌تواند با سنجش تأثیر عوامل گوناگون، راه را برای برنامه‌ریزی، تغییر و کنترل آنها فراهم آورده و موانع و مشکلات را پیش‌بینی کند. زیرا نظام ارزشی افراد مسئله‌ای است که در بطن آن همه رفتارها و کنش‌ها در حرکت بوده و پایه اساسی آنها را شکل می‌دهد. بنابراین راه‌یابی علمی و منطقی برای جلوگیری از تفکیک فرهنگی و فاصله نسلی بین والدین و فرزندان شاید از طریق چنین مطالعاتی میسر شود.

از سویی محقق به عنوان عضوی از این جامعه، که خود شاهد این مسائل و مشکلات بوده، درصدد است بداند چه عوامل و عللی سبب شده تا فرزندان از والدین خود فاصله بگیرند و به عناصری چون دوستان، رسانه‌های گروهی و ... پناه ببرند و هیچ‌گاه نخواهند خلوت و تنهایی خود را با حضور والدین فرو ریزند و در هیچ زمانی نتوانند همدیگر را درک نمایند.

اهداف تحقیق:

در واقع هدف از این پژوهش یک بررسی در مورد سنجش میزان اختلاف دو نسل در چهارچوب نظری است اهداف این تحقیق عبارتند از:

- ۱- سنجش میزان شکاف نسل‌ها (به عنوان متغیر وابسته)
- ۲- شناخت عوامل مؤثر بر آن (به عنوان متغیر مستقل)
- ۳- بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر شکاف نسل‌ها (ترسیم دیاگرام علی)
- ۴- ارائه پیشنهادات و راهکارها در جهت کاهش این مسئله اجتماعی

مبانی نظری

نظریه شکاف نسل‌ها:

به اعتقاد بنگستون سه دیدگاه عمده در زمینه گسستگی نسلی وجود دارد؛ در یک طرف کسانی هستند که وجود "شکاف نسل‌ها" را تأیید می‌کنند، در طرف دیگر گروهی هستند که وجود شکاف عمیق را یک توهم و خیال می‌پندارند و معتقدند این موضوع توسط وسایل ارتباط جمعی اشتباهاً به مردم تحمیل شده است. و دیدگاه سوم که در نقطه وسط دو دیدگاه قرار دارد معتقد به "پیوستگی و تفاضل‌گزینی" بین نسل‌ها است.

طرفداران دیدگاه اول (تنوری شکاف عمیق)

صاحبان این دیدگاه معتقدند که شکاف بین جوانان و بزرگسالان نسبتاً شایع و گسترده است. این دیدگاه جوانان را متفاوت و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌داند (از نظر پذیرش ارزش‌های غالب و مسلط) به عنوان مثال هربرت مید (H.Mead) معتقد است که الگوی فرهنگی جدیدی ظاهر شده که در آن مدل جوانان، افراد معاصر هستند. از این منظر، به افرادی که پیش از جنگ جهانی دوم متولد شده‌اند، به عنوان "مهاجران در زمان" نگریسته می‌شود، کسانی که با زمان حاضر و ناآشنا، سازگاری یافته‌اند ولی کماکان بقایای گذشته را حفظ کرده و می‌کنند. از سوی دیگر، آنهایی که پس از جنگ جهانی دوم متولد شده‌اند، زمان حاضر را می‌فهمند زیرا به غیر از آن چیز دیگری نمی‌شناسند، در نهایت بین این دو قشر از لحاظ پذیرش ارزش‌ها و هنجارها، تضاد روی داده و این تضاد روز به روز شدت می‌گیرد.

در کل این دیدگاه بسیار ذهنی و تئوریک است و فاقد تأیید تجربی می‌باشد. به خصوص، چیزی که در این دیدگاه فراموش شده، نوعی پیوند نظری است که بتواند تعیین کند که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان متفاوت از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان است. به یک معنا این دیدگاه

نوعی فرض مقدم بر تجربه دارد و آن اینکه: تضاد بین نسل‌ها ناشی از قبول ارزش‌های مختلف است که در نهایت نیز به تضاد رفتاری ختم می‌شود.

طرفداران دیدگاه دوم (عدم شکاف)

در آن سوی طیف، متفکران اجتماعی مانند ریسی (۱۹۶۸ - Reiss)، لوبل (۱۹۶۸ - Lipset) و آدلن (۱۹۷۰ - Adelaon) تأکید دارند که ارزشهای جوانان اختلاف شدیدی با بزرگسالان ندارد. این متفکران مدعی‌اند در حالی که ممکن است جوانان و بزرگسالان دارای جدایی اجتماعی باشند ولی شکاف بین آنها اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌های مختلف ندارد، بلکه، جدایی بیشتر مربوط به زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی توصیه‌های هنجاری برای تحقق دادن به ارزش‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، تضاد نسل‌ها بیشتر در ارتباط با ابزار به کار گرفته شده برای تحقق دادن به ارزش‌های مورد قبول، یکسان و مشابه است. در حالی که تا حدودی برای این دیدگاه تأیید تجربی وجود دارد، ولی توماس (۱۹۷۴ - Thomas) معتقد است که هنوز یافته‌های تحقیقات چندان قطعی نیستند.

طرفداران دیدگاه سوم (دیدگاه پیوستگی و تفاضل‌گزینی)

این دیدگاه معتقد است که تضاد اندکی بین نسل‌ها در مورد ارزش‌ها وجود دارد. در عین حال، طرفداران این دیدگاه با آن فرضیه دیدگاه دوم (یعنی: وجود شکاف یک خیال و توهم است) موافق بوده و معتقدند که ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه، می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند. همان‌طوری که بنگستون (۱۹۷۰ - Bengston) ذکر نموده، مشکل این دیدگاه در این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند که این تفاوت‌ها کدام هستند و چگونه به وجود می‌آیند و در آینده عواقب وجود این تفاوت‌ها چه می‌تواند باشد. (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۵۵)

کارکردگرایان معتقدند، ارزش‌ها، نیازهای افراد را با نیازهای جامعه هماهنگ می‌نمایند و به حفظ نظم کمک می‌کنند. ارزش‌ها با سازمان دادن به رفتارها با رجان‌های درونی و شناختی که فرد از جامعه کسب می‌کند، باعث انسجام اجتماعی می‌شود. (Borgatta, 1992, p222) به طور کلی ارزش‌ها، مفروضات و پیش‌داوری خوبی‌ها، اهداف یا کیفیات موجود است که فرض شده و دلخواه هستند. ارزش‌ها ادراک غالب از رفتارهای ایده‌آلی در موقعیت‌های خاص را تعریف می‌نمایند. (Neubecket, 1996, p110)

در این ارتباط رایزمن بیان می‌دارد که جوامع بشری سه مرحله را پشت سر گذاشته‌اند. در مرحله نخست انسان‌ها از سوی آداب و رسوم و سنت‌ها از بیرون کنترل می‌شوند و در مرحله

دوم انسان‌ها توسط عقل از درون کنترل می‌شوند و در مرحله سوم کنترل انسان‌ها به دست رسانه‌ها افتاده است. (کازنو، ۱۳۶۴، ص ۳۲)

از سوی دیگر کارل مانهایم نیروهای جدیدی را زمینه‌ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند. پس شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری میان دو نسل (والدین و فرزندان) با وجود پیوستگی کلان، متأثر از ساخت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود این که در یک فضای فرهنگی مشترک زیست می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. (اسماعیلی ۱۳۸۲: ص ۱۴۰)

جامعه‌شناسانی چون دورکیم، ردفیلد و تونیس انتقال از زندگی روستائی به زندگی شهری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که انتقال از شیوه زندگی روستائی به زندگی شهری پیامدهای ناخوشایندی دارند. آنها معتقد بودند که در این انتقال، روابط غیرشخصی جایگزین روابط شخصی شده و در نتیجه نظم و نظام جامعه در معرض ازهم گسیختگی قرار می‌گیرد. (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲)

ابن خلدون معتقد است که: در گذر از جوامع بدوی به جامعه شهری با گسترش شهرنشینی همبستگی یا انسجام اجتماعی کاهش یافته نتیجتاً تعارضات در جامعه فزونی می‌گیرد و به تبع آن انحراف نیز گسترش می‌یابد.

تونیس به دو نوع روابط اشاره می‌کند: گزل شافت و گمن شافت، در اصطلاح عام گمن شافت نشان دهنده اشتراک اجتماعی و گزل شافت نمایانگر جامعه است. روابط گمن شافت با پیوندهای نزدیک، صمیمانه، شخصی، علاقه صمیمانه به رفاه همدیگر، همکاری و اعتماد متقابل مشخص می‌شود. اما روابط گزل شافت مبتنی بر رقابت، نفع شخصی، کارآیی، پیشرفت و تخصص است. تونیس بر این باور بود که در افزایش شهرگرایی روابط از نوع گزل شافت گسترش می‌یابد و افراد نسبت به هم بیگانه شده و از همبستگی میان آنان کاسته می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۹۵)

طبق تحقیقاتی که محققان از جمله جاکوبسن (Jacobsen) انجام داده است، شکاف نسلی در خانواده‌های با خاستگاه طبقه کارگر بیشتر است، زیرا چنانچه تحصیلات فرزندان و پدران را مدنظر قرار دهیم، این وضعیت پیچیده‌تر می‌شود. والدین طبقه پایین که فرزندانشان تحصیلات بالاتری نسبت به فرزندان با تحصیلات پائین هم طبقه‌شان دارند، شکاف نسلی بیشتری را تجربه می‌کنند و از سوی دیگر والدین با سطح اقتصادی بالا که نسبت به دیگر پدران هم سطح خود سواد پایینی دارند، فاصله بیشتری با فرزندانشان دارد. (Jacobsen, 1975, p48)

"قدر" در مطالعات خود به این نتیجه رسید که دختران جوان بیشتر از پسران به ارزش‌های دینی و اخلاقی مانند امانت‌داری و درست‌کاری توجه دارند. سیمونز و دیگران معتقدند پسران جوان بیشتر به ارزش‌های مربوط به نیروهای بدنی و تلاش برای دستیابی به منزلت اجتماعی

توجه دارند در حالی که دختران جوان به ارزش زیبایی و صداقت اهمیت زیادی می‌دهند. (خلیفه، ۱۳۷۸: ص ۳۶) به نظر اینگلهارت تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنان به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. بر اساس نتایج اینگلهارت، افرادی که تحصیل کرده‌تر باشند بیشتر فرامادی هستند. (Ingelhart at 1999, p75)

در این رابطه بوردیو معتقد است افرادی که هم دوره‌ای‌اند و در زمان حال زندگی می‌کنند دارای فرهنگ مشترک هستند و کارکردی که برای آنها، با حافظه جمعی، ترکیب هم دوره‌ای‌ها را، - در طول یک دوره خاص تعیین می‌کند، تعریف‌کننده نسل واحد می‌باشد. در این تعریف توجه خاصی به ایده فرهنگ جمعی و مشترک شده است. احساسات، رجحان‌ها، خلق و خوی و مجموعه‌ای از اعمالی از قبیل ورزش و فعالیت‌های تفریحی، حافظه جمعی و خلق فرهنگی یا سنت نسلی را تعیین می‌کنند که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. افزون بر مشارکت در فرهنگ جمعی، نسل ممکن است، همچون هم دوره‌ای‌های دیده شود که دستیابی استراتژیک به منابع را از طریق انجام مراسم به دست می‌آورند، اگرچه نسل‌ها مثل طبقات محوریت استراتژیک را تجربه می‌کند. زیرا در نسل ممکن است بطور مثال، افراد از طریق ازدواج و خلق خانواده باز تولید کنند اما همواره اخلاق مبادله از طریق توجه به عدالت برای مبادلات بین نسلی پیدا می‌شود و به طور طبیعی از طریق الگوهای ارزشی، این معنی از روابط بین نسلی، ایده‌های اقتصادی و سیاسی نسل‌ها را می‌سازد. (آزاد ارمکی / غفاری، ۱۳۸۳: ص ۳۳)

به نظر وایت، ارزش‌های والدین، ارزش‌های واقعی و شخصی آنان است و ارزش‌هایی است که دوست دارند به بچه‌هایشان منتقل نمایند. درک ارزش‌های جامعه‌پذیری، برداشت فرزندان از ارزش‌هایی است که والدین درصدد انتقال آن به فرزندان هستند که بر مبنای درک ارزش‌های جامعه‌پذیری والدین حاصل شده است. وایت و همکارانش معتقدند که ارزش‌های جامعه‌پذیری والدین در مقایسه با ارزش‌های واقعی ایشان، بهتر ارزش‌های فرزندان را تبیین می‌کند و ارزش‌های جامعه‌پذیری با ارزش‌های شخصی والدین مرتبط است و هرچه قدر جامعه‌پذیری والدین کمتر باشد. تشابه بین ارزش‌های والدین و فرزندان بیشتر می‌شود و طبیعتاً شکاف بین ارزش‌های والدین و فرزندان (ارزش‌های شخصی) کاهش خواهد یافت و بالعکس. (یوسفی، ۳۸۳: ص ۳۵)

ایزنشتاد معتقد است، درک هر نسل از جامعه، اشیاء و زندگی، مبتنی بر شرایطی است که در آن رشد یافته، تجاربی بدست آورده و مراودت‌هایی را متحمل گردیده است. به طور مثال رفتار نسلی که در شرایط جنگ و محرومیت رشد یافته با نسلی که جز صلح و رفاه به خود ندیده،

متفاوت است و در جوامع پیچیده مبتنی بر تحولات سریع، تضاد نسل‌ها امری غیرقابل اجتناب است. (روشه، ۱۳۶۸: ص ۱۳۶)

گودنو (Goodnow) معتقد است، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتقال ارزش‌ها از والدین به فرزندان، تشخیص و اتخاذ راهبردهای مؤثر به منظور رشد فرزندان در دسترسی به اهداف است. در این باره گودنو دو مرحله را برای توصیف فرایندهایی که فرزندان ارزش‌های والدین‌شان را می‌پذیرند یا طرد می‌کنند، پیشنهاد نموده است. وی می‌گوید: "قبل از این که فرزندان عقاید والدینشان را بپذیرند یا طرد نمایند ابتدا ادراکی از ارزش‌ها و عقاید والدینشان کسب می‌نمایند و صحت یا نادرستی ادراکات فرزندان در پذیرش عقاید والدین از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. فقدان توافق والدین و فرزندان یا به وسیله ادراک نادرستی از عقاید و ارزش‌های والدین یا طرد ادراکات درست از عقاید و ارزش‌های والدین است."

برحسب نظر گودنو صحت ادراکات فرزندان از ارزش‌های والدین به طور اساسی تحت شرایطی است که اطلاعات (ارزش‌ها) را به دست می‌آورند. وی وضوح، تازگی فراوانی پیام (ارزش) والدین، درجه توافقی ارزش والدین، مناسبات توسعه‌ای و اثر هم‌نیاز را مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادراک از ارزش‌های والدین می‌داند. وی معتقد است وضوح پیام احتمالاً از تعداد پیام‌های بازگو شده که موافق یا مخالف پیام هدف هستند، تأثیر می‌پذیرند، همچنین یادآور می‌شود، فراوانی پیام با توافق بین پدر و مادر افزایش می‌یابد. البته ناگفته نماند که سطح تحصیلات والدین به عنوان الگوهای شایسته در شدت انتقال پیام مؤثر است. گودنو حشو و تازگی پیام را از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادراک از ارزش‌های والدین می‌داند. وی همچنین می‌گوید: "پذیرش یا طرد عقاید والدین (مرحله دوم) به عواملی مانند ادراک فرزندان از مناسب بودن تصویر (ارزش‌ها)، انگیزش فرزندان به پذیرش عقاید والدین و ادراک فرزندان از درجه‌ای که والدین تمایل دارند بستگی دارد." به طور کلی سه دسته از متغیرها بر پذیرش یا طرد پیام مؤثر هستند: ۱- مقداری که فرزندان درک نمایند، پیغام والدین مناسب است. ۲- انگیزش فرزندان ۳- درجه‌ای که فرزندان یک ارزش یا استاندارد را به همان خوبی که خود ایجاد کرده‌اند، ببینند.

گروه نخست مربوط به ارزیابی فرزند از قابل پذیرش بودن مداخله والدین است که از جنسیت و طبقه اجتماعی والدین تأثیر می‌پذیرد.

گروه دوم مربوط به برانگیختگی فرزندان به پذیرش پیام والدین مربوط می‌شود. درجه‌ی بالای تحریک، تهدید به احساس امنیت و درجه‌ای که ارزش برای والدین مهم باشد، در برانگیخته شدن مؤثرند. در این باره به سه عامل که احتمالاً با انگیزش فرزندان در پذیرش عقاید والدین مرتبط است، اشاره می‌شود: ۱- کیفیت روابط والدین و فرزندان (صمیمیت) ۲- ادراک فرزندان از مهم‌ترین عقاید والدین ۳- درجه توافق والدین. گروه آخر شامل متغیرهایی می‌شود که

ممکن است منجر به بروز احساساتی در نقش فرزندان گردد که یک ارزش خود ایجاد شده و به انگیزش ذاتی از طریق تشابه بیشتر نسبت می‌دهد. در مجموع برحسب الگوی دو مرحله‌ای گودنو بایستی گفت: ۱- رابطه‌ی بین عقاید والدین و فرزندان به وسیله‌ی ادراکات جوانان از عقاید والدین میانجی‌گری می‌شود. ۲- والدینی که تمایل شدید به مشارکت فرزندان‌شان در عقاید و ارزش‌هایشان دارند، به طور واضح و صریح، عقاید و ارزش‌هایشان را مراد می‌نمایند. ۳- جوانان اگر درک نمایند عقاید والدین‌شان برایشان مهم است با تمایل بیشتری در آنها مشارکت می‌کنند. ۴- فرزندان که روابط صمیمانه‌تری با والدین‌شان دارند، خودشان را مطمئناً وابسته به والدین‌شان درک می‌کنند و می‌بینند که والدین‌شان به طور مقتدرانه عمل می‌نمایند. در نتیجه تمایل قوی‌تری به پذیرش عقاید والدین‌شان ابراز می‌دارند. ۵- تازگی پیام والدین بر ادراک و طرد یا پذیرش پیام والدین مؤثرند. *یوسفی، ۱۳۸۳: صص ۱۰۹-۱۰۵)

فرضیات تحقیق:

- ۱- بین میزان احساس همبستگی اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین میزان اعتماد اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین میزان گرایش به سنت‌ها و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین میزان گرایش به اعتقادات دینی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۵- بین میزان احساس نابرابری اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۶- بین میزان افزایش فردگرایی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۷- بین میزان بحران هویت و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۸- بین میزان احساس آنومی اجتماعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۹- بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۱۰- بین عوامل فردی (سن، جنس، سطح تحصیلات والدین، درآمد و بعد خانوار) و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

پیشینه تجربی تحقیق

- بررسی ارزشهای پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها/ کاوه تیموری، تفاوت نظام ارزشی در میان پدران و پسران و پیامد طبیعی آن، شکاف بین نسل‌ها است. و محور اصلی تحقیق مذکور چگونه و چرایی شکاف است. محقق آن معتقد است که تحول شرایط اجتماعی مؤلفه‌ی اصلی در دگردیسی ارزش‌های پدران و پسران است و تحول شرایط اجتماعی وضعیتی را پدید می‌آورد که طی آن ارزش‌ها متحول شده و از آنجائی که پدر و پسر هر یک در

شرایط خاصی زندگی می‌کنند لذا نظام ارزشی آنها نیز متفاوت خواهد بود. محقق پس از طرح مباحث نظری، با محور قرار دادن متغیرهایی چون ارزش علمی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تفاوت دیدگاه پدران را نسبت به پسران در بین دانش‌آموزان سال دوم در رشته ریاضی و علوم تجربی دبیرستان‌های تهران در سال تحصیلی ۱۷-۱۳۷۶ مورد بررسی قرار داده است. (تیموری، ۱۳۷۷: ص ۵۳)

- عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی - فرهنگی و فاصله نسل‌ها/ محمدتقی شیخی
تغییر در نظام ارزشی، شیوه‌های رفتاری و زمینه‌های فرهنگی و در نتیجه ظهور فاصله‌ی بین نسل‌ها امروزه بیش از هر زمان دیگر در بسیاری از جوامع به چشم می‌خورد. عوامل مختلف مادی، دستاوردهای صنعتی و فن‌آوری‌های جدید، چنین پدیده‌ای را به دنبال آورده که نظر بسیاری از صاحب‌نظران به ویژه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است.

نوجوانان و جوانان و گروه‌های سنی تا ۲۴ سال به عنوان اقشاری اثرپذیر بیش از سایر اقشار اجتماعی در معرض این تغییرات قرار دارند. در این روند تغییرپذیری با توجه خاص به نوجوانان، خانواده، عوامل اجتماعی - فرهنگی و بطور کلی شرایط، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. آموزش، هنر و مدرسه نیز در این تغییرات ارزشی و فرهنگی نقش دارند. وفاق اجتماعی به عنوان عامل تعیین‌کننده توسعه، با تعمیم تحصیلات، آموزش، دستیابی به الگوهای جدید فرهنگی، تبادل فرهنگی و ... پدیدار می‌گردد. این حقیقت تاکنون به اثبات رسیده است که عامل ارتقاء یعنی فرهنگ و تحصیلات می‌تواند تضادها و تفاوت‌ها را از میان بردارد. و در مقابل همبستگی درونی را جایگزین سازد. یعنی آن چیزی که امروزه در جوامع متمدن مشهود است و توسعه به معنای عام را به دنبال دارد. (شیخی، ۱۳۷۷: ص ۶۷)

- شکاف بین نسلی / تقی آزاد ارمکی

شکاف بین نسلی پدیده‌ای است که در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است، ساختارشکنی جامعه سنتی، که یکی از مهمترین مؤلفه‌های آن سلطه پیران بوده، منجر به شکل‌گیری جامعه‌ی جدیدی شده که سه نسل پیران، میانسالان و جوانان، همپای یکدیگر رابطه‌ای بیشتر از نوع تزامنی دارند. و تحقیق مذکور می‌کوشد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:
۱- سه نسل مؤلفه‌های اصلی سازنده جامعه هستند یا خیر؟ ۲- رابطه نسل‌ها توافقی است یا تزامنی؟ ۳- کدام نسل بر جامعه مسلط و الگو دهنده است؟

محقق برای یافتن پاسخ این سؤالات، با حجم نمونه‌ای در حدود ۳۸۳ نفر در شهر تهران مصاحبه حضوری داشته و اطلاعات پس از گردآوری در پرسشنامه تجزیه و تحلیل شده است.

(آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ص ۵۴)

- شکاف نسل‌ها/ هادی جلیلی

تحقیقی در دو مرحله مجزا، یکی در سال ۱۳۵۳ و دیگری در سال ۱۳۷۴ به اجرا درآمده است. در این تحقیق دو گروه سنی متفاوت یعنی ۲۴-۱۵ ساله و ۵۵ سال به بالا مورد آزمون قرار گرفته‌اند و در آخر به مقایسه نظرات این دو گروه پرداخته شده است. و همچنین محقق به مقایسه شرایط قبل و بعد از انقلاب در پیرامون مسئله (شکاف نسل‌ها) پرداخته است. و در آخر به این نتیجه رسیده است که عملاً شکافی بین نسل‌ها وجود ندارد و آنچه هست اختلاف ناچیزی است که به طور طبیعی در تمام جوامع و کشورها وجود دارد. (جلیلی، ۱۳۷۷: ص ۶۴)

۴- روش پژوهش (نوع روش تحقیق):
زمانی که محقق با جامعه آماری نسبتاً وسیع مواجه است و درصدد می‌باشد که اطلاعاتی را از این جامعه آماری بدست آورد و این کسب اطلاعات از طریق مراجعه مستقیم به افراد انجام می‌پذیرد. در این صورت نوع تحقیق "تحقیق پیمایشی" (Survey Research) خواهد بود و در واقع در این روش فرض بر این است که گروهی از افراد یک جامعه، دارای اطلاعاتی با گرایش‌هایی در زمینه موضوع خاصی هستند و ما درصدد هستیم که از طریق مراجعه مستقیم به افراد این گروه این اطلاعات را کسب کنیم. در واقع ویژگی اصلی تحقیقات پیمایشی مراجعه مستقیم به افراد و پرس‌وجو از آنها در مورد نظرات و تفکرات‌شان است. در تحقیقات پیمایشی برخلاف دیگر تحقیقات:

اولاً- تجربه به صورت مستقیم انجام می‌پذیرد.

ثانیاً- از افراد خواسته می‌شود نظرات خود را پیرامون یک پدیده خاص بیان کنند.

بنابراین در پژوهش حاضر برای مطالعه میزان تغییرات یک یا چند عامل تحت تأثیر متغیرهای دیگر از روش پیمایشی استفاده شده است و همچنین برای بررسی و تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای معین و جهت بیان خصوصیات گروه مورد مطالعه سعی شده از "روش تحقیق همبستگی یا همخوانی" Correlation & association مبتنی بر "روش پیمایش تحلیلی" (Survey Analytical) استفاده شود که در واقع در این روش محقق با در دست داشتن اطلاعات و داده‌های لازم از جامعه آماری درصدد پاسخگویی به سؤالات عمده و اساسی به شرح ذیل می‌باشد:

الف) نوع رابطه بین عوامل یا متغیرها؟ رابطه یک سویه/ دوسویه/ فقدان رابطه.

ب) جهت همبستگی بین عوامل یا متغیرها؟ مثبت، مستقیم، افزایشده/ منفی، معکوس، کاهشده.

ج) شدت همبستگی بین عوامل یا متغیرها؟ (میزان و مقدار همبستگی)

ابزار جمع‌آوری اطلاعات:

امروزه تحقیقات پیمایشی رایج‌ترین روش تحقیق در علوم اجتماعی به شمار می‌رود و اولین تحقیقات اجتماعی معمولاً از طریق روش‌های پیمایشی انجام گرفته است. به ویژه پژوهشگران جامعه‌شناسی تکنیک‌های بسیار پیشرفته‌ای در زمینه تحقیقات پیمایشی ابداع کرده‌اند و حتی امروزه نیز بیشترین تحقیقات از نوع تحقیقات پیمایشی است. ولی از دهه هفتاد به این طرف انتقادات بی‌شماری بر تحقیقات پیمایشی صورت گرفته است و به "تورس‌های" (Bias) بی‌شماری اشاره گردیده است که متوجه تحقیقات پیمایشی می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی عبارتند از: پرسشنامه و مصاحبه. بر همین اساس تورس‌هایی که تحقیقات پیمایشی را تهدید می‌کند ناشی از همین تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات و مراجعه مستقیم به افراد است. مهم‌ترین تورس‌های تحقیقات پیمایشی عبارتند از: (۱) تورس ناشی از پرسشگر (۲) تورس ناشی از پاسخ‌گو (۳) تورس ناشی از پرسش‌نامه (۴) تورس ناشی از نمونه‌گیری

با توجه به تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی (پرسش‌نامه، مصاحبه) در این تحقیق از پرسش‌نامه (Questionnaire) مبتنی بر فرضیه‌های پژوهش، که شامل مشخصات فردی و خانوادگی و نیز سؤالاتی در خصوص میزان شکاف نسلی‌ها و عوامل مؤثر بر آن مطرح شده می‌باشد، استفاده شده و سعی شده از تأثیر تورس‌های احتمالی در نتایج تحقیق جلوگیری به عمل آید.

مشخصات جامعه آماری:

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از دانش‌آموزان دختر و پسر ناحیه یک و دو مقطع متوسطه در شهر زنجان ۸۵-۱۳۸۴ که جهت نمونه‌گیری گزینش شده‌اند (لازم به ذکر است علت انتخاب این مقطع تحصیلی بدان دلیل است که محقق بر این باور است که میزان شکاف نسلی در بین این گروه سنی بیشتر به چشم می‌خورد).

جنس	جامعه آماری			حجم نمونه	
	ناحیه یک	ناحیه دو	جمع	ناحیه یک	ناحیه دو
دختر	۹۵۹۷	۹۲۳۳	۱۸۸۳۰	۱۷۰	۱۶۵
پسر	۸۲۶۶	۱۰۵۱۲		۱۵۵	۱۸۵
جمع	۱۸۰۶۳	۱۹۷۴۶	۳۷۸۰۹	۳۲۵	۳۵۰

از لحاظ تعیین "حجم نمونه" (Sample Size) مبتنی بر روش کوکران، نمونه‌هایی با فاصله اطمینان ۹۹٪ و یا با فاصله اطمینان ۹۵٪ برآورد می‌گردد. در واقع با رعایت سطح معنی‌داری

اطمینان با قابلیت اعتماد معین به ترتیب نمونه‌ای به حجم قابل قبول برای این پژوهش برآورد می‌شود که حجم نمونه برآورد شده ۶۷۵ نفر می‌باشد.

تعیین حجم نمونه:

برای تعیین حجم نمونه باید اول میزان دقت و سطح اطمینان تعیینیم را در چهارچوب تئوری نمونه‌گیری بدانیم. از آنجا که در بررسی‌های اجتماعی معمولاً "حجم نمونه" به کمک فرمول‌های آماری بدست می‌آید لذا سعی می‌گردد در راستای کاهش اشتباهات گوناگون در امر آمارگیری و استخراج، لااقل نتایج حاصله، از درجه اعتماد و اطمینان کافی برخوردار باشد لذا برای رسیدن به دقت معین (فاصله حدود اعتماد) یا درجه اطمینان "t" برآورد حجم نمونه (n) الزامی است. (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۴۹) بنابراین در این پژوهش می‌خواهیم از یک جمعیت ۳۷۸۰۹ نفری (دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر زنجان) نمونه‌ای به منظور برآورد نسبت حائزین صفات انتخاب کنیم:

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{37809 \times 1/96^2 \times 0.5 \times 0.5}{37809 \times 0.05^2 - 1/96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 675$$

روش نمونه‌گیری:

نمونه‌گیری از مهم‌ترین مباحث تحقیقات اجتماعی است چون از طرفی با توجه به وسعت جمعیت با موضوعات مورد مطالعه، محقق ناچار است به نمونه‌گیری بپردازد و جز در امور استثنایی (نظیر سرشماری) از آن گریزی نیست. از طرف دیگر میزان اعتماد یافته‌های یک محقق، با صحت نمونه‌گیری آن سنجیده می‌شود تا آنجا که به نظر والس (Walls) و رابرتز (Roberts) "نمونه" و "جامعه آماری" دو مفهوم اساسی در آمار اجتماعی می‌باشد. (ساروخانی، ۳۷۲، ص ۱۵۴)

در این بررسی ابتدا برای انتخاب نمونه‌ها از بین ۳۶ دبیرستان که در دو ناحیه آموزش و پرورش وجود دارد یک چهارم آن (۹ مدرسه) انتخاب گردید «نمونه‌گیری خوشه‌ای» که در هر مدرسه سه پایه تحصیلی (سال اول، دوم و سوم) مشغول تحصیل هستند و در هر مدرسه از هر پایه تحصیلی ۲۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید.

تعداد حجم نمونه در پژوهش حاضر) $9 \times 3 \times 25 = 675$

روش پردازش آماره‌ها:

پردازش آماره‌ها (Data Processing) بین دو مرحله جمع‌آوری داده‌ها (Data Collection) و تحلیل داده‌ها (Data Analysis) جای می‌گیرد. هدف از پردازش، آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل است که به این مرحله "داده آمایی" می‌گویند. (ساعی، ۱۳۷۷، ص ۴۸) پس از ثبت داده‌ها و ویرایش مقدماتی، محاسبات آماری با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS انجام می‌گیرد که خود شامل دو بخش است یکی آمار توصیفی که خود شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، درصد فراوانی، جداول دوبعدی و نمودارهای توزیع فراوانی می‌شود و دیگری تجزیه تحلیل اطلاعات که شامل آزمون فرض‌ها از جمله رگرسیون چند متغیره، کی‌دو، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و ... می‌باشد.

اعتبار و روایی تحقیق:

- اعتبار: اعتبار پژوهش موردنظر، مبتنی بر اعتبار صوری می‌باشد.
 - روایی: برای تعیین روایی شاخص‌ها و گویه‌ها در این پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که در جدول ذیل نتایج آن قابل مشاهده است و این نتایج گویای آن است که هر کدام شاخص‌ها روایی لازم را برای سنجش متغیرهای موردنظر را دارند و قابلیت روایی آنها در سطح خوبی واقع است.

جدول شماره ۱: آزمون ضریب روایی متغیرها

ردیف	متغیرها	نوع متغیرها	ضریب آلفای بدست آمده
۱	شکاف نسلی	وابسته	۰/۹۰
۲	احساس محرومیت نسبی	مستقل	۰/۹۲
۳	احساس نابرابری اجتماعی	مستقل	۰/۷۵
۴	آنومی اجتماعی	مستقل	۰/۷۰
۵	بحران هویت	مستقل	۰/۸۲
۶	استفاده از رسانه‌های خارجی	مستقل	۰/۸۰
۷	فردگرایی	مستقل	۰/۷۲
۸	گرایش به اعتقادات دینی	مستقل	۰/۸۰
۹	گرایش به سنت‌ها	مستقل	۰/۷۶
۱۰	همبستگی اجتماعی	مستقل	۰/۷۳
۱۱	اعتماد اجتماعی	مستقل	۰/۸۰

نحوه سنجش متغیرها:

برای سنجش میزان شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان به عنوان متغیر اصلی با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان گفت نخست شکاف نسلی به صورت ذیل شاخص سازی شده، سپس با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای طیف رینس لیکرت (Likert 1938 R) (کاملاً موافقم / موافقم / تاحدودی / مخالفم / کاملاً مخالفم) معرف‌های آن استخراج گردیده و بعد به صورت گویه نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: سنجش معرف‌های شاخص میزان شکاف نسلی

معرف‌ها	گویه‌ها	طیف مورد استفاده
اختلاف در عقاید	احساس میکنم افکار و عقاید ما پدر و مادرم فرق میکند	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف در افکار	نظر والدینم در بیشتر کارها برایم اهمیت دارد.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
قدیمی بودن افکار والدین	افکار و عقاید والدینم کهنه و متحجر است.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در انتخاب دوست	با والدینم در انتخاب دوست اختلاف نظر دارم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
دخالت والدین در انتخاب	نظر والدینم ر انتخاب‌هایم (شنل، رشته تحصیلی، لباس، هوسر و ...) دخالت میدهد.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در وضع ظاهری	در آرایش کردن یا کوتاه کردن مو یا خرید و حتی پوشیدن لباس نظر والدینم را نهم می‌شمرم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در ارتباط با جنس مخالف	در برقراری ارتباط با جنس مخالف با والدینم همفکرم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در نوع موسیقی	در گوش دادن به موسیقی و هر فعالیت هنری دیگر با والدینم همفکرم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در طرز رفتار	والدینم از طرز رفتار و برخورد و حتی صحبت کردن من انتقاد میکنند	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
رضایت از زندگی	از وضع زندگی که والدینم برایم مهیا کرده‌اند راضی نیستم	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
احترام به والدین	سعی می‌کنم تا حد توان احترام والدین خود را حفظ کنم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در علایق اعتقادات	در زمینه مسائل عقیدتی (نماز، روزه واجبات و محرمات و ...) با والدینم هم فکرم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در مسائل خانوادگی	در مسائل خانوادگی نظیر خرید لوازم منزل یا شیوه میهمانی دادن با والدینم هم فکرم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در عقاید	من و والدینم در استفاده از محصولات فرهنگی و سایر فعالیت‌های آن هم عقیده نیستیم.	طیف پنج درجه‌ای لیکرت
اختلاف نظر در بحث‌های خانوادگی	من بیشتر اوقات در بحث‌های خانوادگی شرکت نمی‌کنم	طیف پنج درجه‌ای لیکرت

معرف‌ها و شاخص‌های عوامل مؤثر بر شکاف نسلی

انومی اجتماعی: بدبینی نسبت به اوضاع، بی‌خبری از احوال هم، بی‌اعتمادی، نارضایتی از مقامات بالا.

همبستگی اجتماعی: میهن‌پرستی، قوم‌گرایی، تعصب زبانی.

گرایش به اعتقادات دینی: ایمان به خدا، اجرای احکام به صورت علمی، اعتقاد به روز قیامت، اعتقاد به بحث معاد، اعتقاد به بحث نبوت، اعتقاد به بحث امامت.

احساس نابرابری اجتماعی: احساس تبعیض، احساس فقر، نابرابری اقتصادی، نابرابری سیاسی، نابرابری اجتماعی، نابرابری قومی، احساس ناکامی، احساس عدم ارضای نیاز.

اعتماد اجتماعی: تمایلات همکاری جویانه، گرایش به روابط اجتماعی، قابلیت اعتماد اجتماعی، حس بدبینی، احساس ترس، اطمینان بودن، سهمیم کردن.

بحران هویت: ناتوانی و عجز، ناامیدی نسبت به آینده، تردید در افکار، عدم تأیید رفتار از جانب جامعه، احساس بی‌ارزشی، سوء استفاده از رفتار، احساس ناخشنودی.

رسانه‌های خارجی: رادیوهای خارجی، سریال‌های خارجی، ماهواره، رمان‌های خارجی، آشنایی با فرهنگ بیگانه، انعکاس اخبار جامعه.

گرایش به سنت‌ها: احترام به نیاکان، کاهش اهمیت سنت‌ها، تبعیت از الگوهای یکسان در جامعه، درگیری با مسائل نو و جدید، ممانعت از تغییرات در جامعه.

محرومیت نسبی: احساس فقر، عدم دستیابی به امکانات، فقر اقتصادی، حمایت از فقرا.

فردگرایی: عدم تمایل به کارهای گروهی، عدم مشارکت در فعالیت‌های جمعی، تمایل به تک‌روی، احساس آرامش در تنهایی، علاقه نداشتن به کمک و همکاری دیگران.

الف) استنتاج آماری:

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب مشخصات فردی

ردیف	متغیر	بعد متغیر	فراوانی	درصد
۱	سن	۱۴-۱۵ سال	۲۳۳	۲۶
		۱۶-۱۷ سال	۲۵۱	۵۲
		۱۸ سال و بالاتر	۸۱	۱۲
۲	جنسیت	دختر	۳۳۵	۴۸-۵
		پسر	۳۳۰	۵۰/۵
۳	میزان تحصیلات پدر	دیپلم و پایین‌تر	۵۳۰	۸۰
		فوق دیپلم و لیسانس	۱۰۸	۱۶
		فوق لیسانس و دکترا	۳۷	۴
۴	میزان تحصیلات مادر	بی‌سواد و ابتدایی	۲۵۵	۳۸
		متوسطه و دیپلم	۳۳۲	۵۱
		فوق دیپلم و لیسانس	۷۸	۱۱
۵	بعد خانوار	کمتر از ۳ نفر	۱۲۵	۲۰
		۳-۶ نفر	۴۰۵	۶۰
		۷ نفر و بالاتر	۱۲۵	۲۰
۶	درآمد خانوار	کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	۳۵۱	۵۲
		۳۰۱-۴۰۰ هزار تومان	۳۳۳	۴۶
		۴۰۱ هزار تومان و بالاتر	۸۱	۱۲

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس نمرات ۴-۰ در طیف لیکرت

دریغ	متغیرها	نوع متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
۱	احساس محرومیت نسبی	مستقل	۲/۱۸	۰/۶۱۶	۰/۳۷۹
۲	احساس نابرابری اجتماعی	مستقل	۲/۵۰	۰/۵۸۶	۰/۳۴۹
۳	احساس انومی اجتماعی	مستقل	۲/۱۵	۰/۶۲۵	۰/۳۷۰
۴	بحران هویت	مستقل	۲-۲۰	۰/۶۱۳	۰/۳۷۷
۵	استفاده از رسانه‌های جمعی	مستقل	۲	۰/۶۹۶	۰/۳۶۶
۶	فردگرایی	مستقل	۲/۵۳	۰/۵۹۹	۰/۳۸۸
۷	گرایش به اعتقادات دینی	مستقل	۲/۶۸	۰/۶۵۵	۰/۳۸۰
۸	گرایش به سنت‌ها	مستقل	۲/۳	۶۶۶۰	۰/۳۵۵
۹	همبستگی اجتماعی	مستقل	۱۶۲	۶۱۶۰	۰/۳۵۵
۱۰	اعتماد اجتماعی	مستقل	۲/۱۸	۰/۶۱۵	
۱۱	شکاف نسلی	وابسته	۲/۷۵	۰/۶۲۰	۰/۳۷۷

نتایج تحلیل:

جدول شماره ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون مابین شکاف نسلی و عوامل موثر بر آن

ردیف	متغیرها	R	Sig
۱	احساس محرومیت نسبی	۰/۶۷	۰/۰۰۰
۲	احساس نابرابری اجتماعی	۰/۵۴	۰/۰۰۰
۳	احساس انومی اجتماعی	۰/۴۶	۰/۰۰۱
۴	بحران هویت	۰/۳۷	۰/۰۰۵
۵	استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی	۰/۴۱	۰/۰۰۲
۶	فردگرایی	۰/۵۱	۰/۰۳
۷	گرایش به اعتقادات دینی	-۰/۴۳	۰/۰۰۴
۸	گرایش به سنت‌ها	-۰/۳۹	۰/۰۰۳
۹	همبستگی اجتماعی	-۰/۶۹	۰/۰۰۰
۱۰	اعتماد اجتماعی	-۰/۵۳	۰/۰۰۱

جدول شماره ۶: آزمون رگرسیون چند متغیره ما بین شکاف نسلی و عوامل موثر بر آن

ردیف	متغیرها	R	Slg
۱	احساس محرومیت نسبی	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰
۲	فردگرایی	۰/۱۷۰	۰/۰۰۳
۳	احساس آنومی اجتماعی	۰/۱۶۰	۰/۰۰۱
۴	احساس نابرابری اجتماعی	۰/۱۴۵	۰/۰۰۲
۵	استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی	۰/۱۴۵	۰/۰۰۲
۶	بحران هویت	۰/۱۲۰	۰/۰۰۵
۷	همبستگی اجتماعی	-۰/۲۴۰	۰/۰۰۰
۸	کرایش به اعتقادات دینی	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۴
۹	اعتماد اجتماعی	-۰/۱۹۰	۰/۰۰۱
۱۰	کرایش به سنتها	-۰/۱۷۶	۰/۰۰۳

ب) استنتاج نظری - نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در مجموع روابط زیر اثبات گردید:

۱- بر اساس ره‌یافت نظری ایزنشتاد و تونیس و طبق آزمون فرض‌های یاد شده مشخص گردید بین شکاف نسلی و احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی و نابرابری اجتماعی رابطه مستقیم، مثبت و افزایشنده وجود دارد، یعنی با افزایش متغیرهای مستقل، شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. ۲- بر اساس ره‌یافت نظری رایزمن و طبق آزمون فرض‌های یاد شده مشخص گردید بین شکاف نسلی و بحران هویت و استفاده از رسانه‌های خارجی رابطه مستقیم مثبت و افزایشنده وجود دارد. یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. ۳- بر اساس ره‌یافت نظری رایزمن مانهایم و تونیس و طبق آزمون فرض‌های یاد شده مشخص گردید بین شکاف نسلی و میزان فردگرایی رابطه مستقیم، مثبت و افزایشنده وجود دارد. یعنی با افزایش میزان فردگرایی، شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. ۴- بر اساس ره‌یافت نظری رایزمن و بوردیو - فدر و طبق آزمون فرض‌های یاد شده، مشخص گردید بین شکاف نسلی و گرایش به سنتها - گرایش به اعتقادات دینی رابطه معکوس، منفی و کاهنده وجود دارد، یعنی با افزایش متغیرهای مذکور، شکاف نسلی کاهش می‌یابد و بالعکس. ۵- بر اساس ره‌یافت نظری تونیس - وایت و طبق آزمون فرض‌های یاد شده مشخص گردید بین شکاف نسلی و اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی رابطه معکوس، منفی و کاهنده وجود دارد. یعنی با افزایش متغیرهای مذکور، شکاف نسلی کاهش می‌یابد و بالعکس.

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر زنجان مشهود می‌باشد چرا که میزان میانگین شکاف در بین این گروه ۲/۷۵ نمره از ۴ نمره می‌باشد و عوامل تأثیرگذار نیز با شکاف نسلی رابطه معنی‌داری دارند.

۶- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات:

به طور کلی می‌توان گفت نتیجه‌گیری یعنی پیوند زدن بین مطالعات نظری و تجربی که منتهی به ارائه راهکارها بر مبنای آن می‌شود، که برخی از پیشنهادات به شرح ذیل می‌باشد:

۱- با توجه به یافته‌های تحقیق، کاهش همبستگی اجتماعی موجب افزایش شکاف نسلی می‌گردد که این همبستگی اجتماعی خود تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگونی می‌باشد، وجود نابرابری‌های اجتماعی که آن هم ریشه در تمایزات طبقاتی یک جامعه می‌تواند داشته باشد که خود این امر موجب و زمینه‌ساز شکل‌گیری شکاف نسلی می‌شود. پس در جامعه هرچه قدر این تمایزات بیشتر باشد، شکاف نسلی خود را بیشتر نمایان می‌کند و بالعکس. بنابراین کاهش همبستگی اجتماعی و آن هم به دلیل وجود نابرابری‌های موجود در جامعه، باعث کم رنگ تر شدن همبستگی اجتماعی می‌شود و به تبع آن شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد. پس برنامه‌ریزان اجتماعی با توجه به شرایط داخلی جامعه بایستی برنامه‌هایی را در جامعه پیاده کنند تا همبستگی اجتماعی افزایش یابد.

۲- با توجه به یافته‌های تحقیق، بحران هویت می‌تواند بر شکاف نسلی تأثیر بگذارد، یعنی هر چقدر بحران هویت افزایش یابد، شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. زمانی که جوان توانایی ایفای نقشی را که جامعه از او انتظار دارد، نداشته باشد، دچار بحران هویت می‌شود؛ یعنی فردی که قادر به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ و مذهب یا ایدئولوژی نیست، ایده‌هایش به هم می‌ریزد و چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می‌برد نه می‌تواند ارزش‌های گذشته‌ی خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش‌هایی شود که به کمک آن بتواند آزادانه برای آینده خود طرح‌ریزی نماید. بنابراین بسیاری از افرادی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می‌گردند، هویتی درست برخلاف آنچه که جامعه از او انتظار دارد. بنابراین کارشناسان جامعه بایستی طی برنامه‌ای سعی کنند جوانان را با هویت واقعی خود آشنا کنند تا منجر به شکاف نسلی نگردد.

۳- با توجه به یافته‌های تحقیق، فردگرایی می‌تواند بر شکاف نسلی تأثیر بگذارد. یعنی هر قدر فردگرایی افزایش یابد شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. فردگرایی زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که مشارکت اجتماعی روبه‌انزوا باشد. دلایل مختلفی می‌تواند موجب کاهش مشارکت اجتماعی شود، وجود نابرابری اجتماعی، عدم اعتماد نسبت به یکدیگر، وجود احساس محرومیت نسبی در بین افراد جامعه می‌تواند، بر میزان مشارکت

اجتماعی تأثیرگذار باشد. پس برای آن که بتوان در جامعه شکاف نسلی را کاهش داد بایستی جامعه را به سویی هدایت کرد که اعضاء آن جامعه با یکدیگر - با توجه به نقش‌های اجتماعی‌شان که در جامعه دارند، در تعامل باشند.

۴- با توجه به یافته‌های تحقیق، کاهش میزان اعتماد اجتماعی سبب افزایش شکاف نسلی می‌گردد و بالعکس. در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به عنوان یک مکانیسم اجتماعی کارکردهای متعددی دارد. در واقع زندگی انسان، بدون وجود احساس اعتماد به خود، آینده و جهان پیرامون، دچار اضطراب و کشمکش می‌گردد. به عبارت دیگر اعتماد باعث ایجاد تداوم روابط اجتماعی افراد و کاهش شکاف نسلی می‌شود.

۵- با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت بین سطح تحصیلات والدین و شکاف نسلی رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش یا کاهش سطح تحصیلات والدین شکاف نسلی افزایش یا کاهش می‌یابد. طبق یافته‌های تحقیقات مشابه دیگر خانواده‌هایی که در طبقات پایین جامعه زندگی می‌کنند و فرزندان آنها دارای تحصیلات عالی می‌باشند شکاف نسلی بیشتری احساس می‌شود. پس بهتر است والدین تا جایی که امکان دارد با بالا بردن سطح زندگی، خود را با فرزندان هماهنگ سازند.

منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی / غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، "جامعه‌شناسی نسلی"، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، تهران.
- اسماعیلی مکرّم، پژمان، ۱۳۸۳، "شکاف بین نسل‌ها"، نشریه رسالت.
- باتامور، تی‌بی، ۱۳۷۰، "مبانی جامعه‌شناسی"، حسن منصور، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- تیموری، کاوه، ۱۳۶۶، "بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خسرو شاهیان، وحید، ۱۳۷۹، "شکاف نسل‌ها"، روزنامه همشهری، شماره‌ی ۲۲۰۵.
- خلیفه، عبدالطیف محمد، ۱۳۷۸، "بررسی روانشناختی تحول ارزش‌ها"، سیدحسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- روشه، گی، ۱۳۶۶، "تغییرات اجتماعی"، منصور وثوقی، تهران: انتشارات نی.
- سرایی، حسین، ۱۳۷۵، "مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری"، تهران انتشارات سمت.
- سرمدی، زهره و همکاران، ۱۳۷۶، "روش‌های تحقیق در علوم رفتاری"، تهران: انتشارات آگه.
- کازینو، ژان، ۱۳۶۴، "قدرت تلویزیون"، علی اسدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کوئن، بروس، ۱۳۷۵، "مبانی جامعه‌شناسی"، غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات سمت، تهران.
- یوسفی، نریمان، ۱۳۸۳، "شکاف بین نسل‌ها"، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، تهران.

منابع انگلیسی:

- Borgatta, Edgar F.& Borgatta Merial, Encyclopdia for sociology Macmillan publishing company New York 1992.
- Jacobsen, R, Brook & Berry, Kennethj, 'et' anempirica (test of the generation gap: a comparative inter family study, journal of marriage and the family 1975).
- Inglehart, Ronald baker, Rayne E. Modernization, Cultural changes and the persistence of traditional values, American sociological Review, 1999.
- Keyword: Generation gap/ Social trust/ Social correlation/ Inentify crisis
- Qadimi, Mehdi
- Chairman of social science group
- Islamic Azad university branch of zandjan

شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ژړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی